

نویسنده: کریس هجز «Chris Hedges»

منبع و تاریخ نشر: کانستریوم نیوز «2024-05-08»

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

وجدان ملت

The Nation's Conscience

موضع شجاعانه دانشجویان سراسر کشور در سرپیچی از نسل‌کشی با خاموشی کامل صدای آنها همراه است. حرف‌های آنها همان چیزی است که ما بیشتر به شنیدن آن نیاز داریم.

The courageous stance of students across the country in defiance of genocide is accompanied by a near total blackout of their voices. Their words are the ones we most need to hear.



شهر نیویورک: من با سه سازمان‌دهنده اعتراض‌کننده دانشگاه کلمبیا در اعتراض به وضع و حالات رقتبار غزه، در مقابل دانشگاه کلمبیا روی پله‌های آتش‌سوزی [مجموعه

ای از پله های فلزی، به ویژه در قسمت بیرونی ساختمان، که به افراد اجازه می دهد از ساختمان در حال سوختن فرار کنند... **تفصیل توسط این قلم**] نشسته ام و شب است. پلیس شهر نیویورک که در داخل و خارج از دروازه های دانشگاه مستقر است، محوطه دانشگاه را در حالت قرنطینه قرار داده است. و موانعی را بوجود آورده که خیابان ها را مسدود کرده است. به هیچ کس اجازه نمیدهند که داخل و یا خارج از دانشگاه شود، مگر اینکه اگر کسی در یک اقامتگاه در محوطه دانشگاه زندگی کند، اجازه ورود دارد. محاصره از این قرار است که یعنی دانش آموزان نمی توانند به کلاس بروند. دانش آموزان نمی توانند به کتابخانه بروند. دانش آموزان نمی توانند وارد آزمایشگاه شوند. دانشجویان نمی توانند به خدمات بهداشتی دانشگاه مراجعه کنند. دانش آموزان نمی توانند برای تمرین به استودیو بروند. دانش آموزان نمی توانند در سخنرانی شرکت کنند. دانش آموزان نمی توانند در چمن های محوطه دانشگاه راه بروند. این دانشگاه، مانند دوران اپیدیمی یا همه گیری «کووید-19» درآمده است، یعنی به دنیای صفحه نمایش هایی (screen) که دانشجویان در اتاق هایشان منزوی هستند، عقب نشینی کرده است.

ساختمان های دانشگاه تا حد زیادی خالی است. مسیرهای متروک و خلوتی. کلمبیا همچونیک دانشگاه پوتمکین» **نمای پیچیده به هدف پنهان کردن واقعیت نا مطلوب** **تفصیل توسط این قلم**» است، زمین برای بازی مدیران شرکت ها. رئیس دانشگاه - یا یک بارونس «عضو از فامیل درجه پایین؛ که خود را به فامیل اشراف نسبت دهد **تفصیل توسط این قلم**» بریتانیایی-مصری که حرفه خود را در موسساتی مانند بانک انگلستان، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بنا کرده باشد - با تجهیزات و وسایل ضد شورش، با اسلحه های کشیده بدست، پلیس را فرا میخواند تا اردوگاه مدرسه را پاکسازی کند، یعنی که افراد را به زور از مدرسه بیرون کند. دانشجویانی که سالن دانشگاه را اشغال کردند و بیش از «100 نفر از آنها را مورد ضرب و شتم و دستگیری قرار دادند. آنها به دلیل "تجاوز جنایی" به محوطه دانشگاه خود دستگیر شدند.

این مدیران، مانند همه کسانی که سیستم های قدرت شرکتی یا رسانه های عمومی اصلی را مدیریت می کنند، اطاعت کامل را طلب می کنند. مخالفت. آزادی بیان. اندیشه انتقادی خشم اخلاقی اینها در دانشگاه های شرکتی ما جایی ندارند.

همه نظام های توتالیترسیم، از جمله تمامیت خواهی شرکتی، آموزش را به آموزش حرفه ای تغییر می دهند که در آن به دانش آموزان آموزش داده می شود که چه فکر کنند، نه چگونه فکر کنند. فقط مهارت ها و تخصص های مورد نیاز دولت شرکت ارزش دارد. از بین رفتن علوم انسانی و تبدیل دانشگاه های تحقیقاتی بزرگ به مدارس فنی و حرفه ای وزارت دفاع با تأکید زیاد بر علوم، فناوری، مهندسی و ریاضی، این تغییر را نشان می دهد. دانشجویانی که دانشگاه پوتمکین را مختل می کنند و جرات می کنند خودشان فکر کنند، با ضرب و شتم، تعلیق، دستگیری و اخراج مواجه می شوند.

ماندارین‌هایی که کلمبیا و دانشگاه‌های دیگر را اداره می‌کنند، شرکت‌هایی که صدها هزار دلار حقوق می‌گیرند، بر مزارع دانشگاهی نظارت می‌کنند. آنها با اعضای هیأت علمی کمکی خود که دستمزد ضعیفی دارند، که اغلب فاقد بیمه درمانی و مزایا هستند، مانند رعیت رفتار می‌کنند. آنها برده‌وار در خدمت منافع اهداکنندگان و شرکت‌های ثروتمند هستند. آنها توسط امنیت خصوصی محافظت می‌شوند. آنها دانش‌آموزانی را تحقیر می‌کنند که مجبور به پرداخت بدهی‌های سنگین برای تحصیلشان شده‌اند، کسانی که ناسازگار هستند، که از اقوام خود سرپیچی می‌کنند و همدستی خود را در نسل‌کشی صدا می‌کنند.

دانشگاه کلمبیا با سرمایه 13.64 میلیارد دلاری، سالانه نزدیک به (90000) دلار برای شرکت در این دانشگاه از دانشجویان دریافت می‌کند. اما دانش‌آموزان اجازه ندارند انتقاد کنند وقتی که پول مالیات و شهریه‌شان در نسل‌کشی مصرف می‌شود، یا زمانی که هزینه‌های شهریه‌شان برای دیدن آنها، همراه با حامیان دانشکده، مورد حمله قرار گرفته و به زندان فرستاده می‌شود، مخالفت کنند. به قول **جو بایدن**، آنها اعضای "گروه‌های نفرت" هستند. آنها - همانطور که **چاک شومر** رهبر اکثریت سنا در مورد کسانی که سالن همیلتون در کلمبیا را اشغال کردند و به افتخار یک دختر فلسطینی شش‌ساله به نام **هند رجب** که پس از 12 روز گذراندن 12 روز در دام به دام انداخته بود توسط نیروهای اسرائیلی به قتل رسید، آنها را به نام **هند هال** تغییر دادند. یک ماشین با شش بستگان مرده او - درگیر "بی‌قانونی".

در جریان تعرض ده‌ها پلیس به سالن اشغال شده رفت آمد می‌کردند که در نتیجه، یک دانش‌آموز بیهوش شد، تعدادی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و به بیمارستان منتقل شدند و از اینکه یک افسر پلیس بداخل سالن شلیک کرد. استفاده بیش از حد از زور با این دروغ توجیه می‌شود که عوامل نفوذی و تحریک‌کننده بیرونی اعتراض را هدایت می‌کنند. با ادامه اعتراضات و ادامه آنها، این استفاده از زور شدید تر خواهد شد.

سارا وکسلر، دانشجوی دکترای فلسفه که به همراه دو دانشجوی دیگر در محل آتش‌سوزی نشسته بود، می‌گوید: «دانشگاه محل انباشت سرمایه است. ما میلیاردها دلار موقوفه داریم که به اسرائیل و شرکت‌های دفاعی مرتبط است. ما مجبور به مقابله با این واقعیت هستیم که دانشگاه‌ها دموکراتیک نیستند. شما هیئت امنایی و سرمایه‌گذارانی دارید که در واقع تصمیم می‌گیرند. حتی اگر دانشجویان رای داشته باشند که می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند و اعضای هیئت علمی خواهان واگذاری هستند، ما در واقع هیچ قدرتی نداریم زیرا آنها می‌توانند به NYPD مراجعه کنند.»

عزم آهنین نهادهای حاکم، از جمله رسانه‌ها، برای تغییر روایت از نسل‌کشی غزه، به تهدید علیه دانشجویان یهودی و یهودی‌ستیزی وجود دارد. خشم معترضان نسبت به

روزنامه نگاران، به ویژه در سا زمان های خبری ما نند CNN و نیویورک تایمز، شدید و موجه است.

وکسلر می گوید:

«من یک یهودی آلمانی- لهستانی هستم. نام خانوادگی من **وکسلر** است. این بیدیش برای پولساز، صرافی است. مهم نیست که چند بار به مردم می گویم که یهودی هستم، همچنان به من برچسب یهود ستیز می زنند. این خشمگین است که به ما گفته می شود که در قرن بیست و یکم به دولتی نیاز داریم که بر اساس قومیت باشد و این تنها راهی است که یهودیان می توانند در امان باشند. اما در واقع حضور بریتانیا و آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی در خاورمیانه است. من نمی دانم چرا مردم هنوز این روایت را باور دارند. داشتن مکانی برای یهودیان که مستلزم رنج و مرگ دیگران باشد، منطقی نیست.»

من قبلاً این حمله به دانشگاه ها و آزادی بیان را دیده بودم. من آن را در شیلی آگوستو پینوشه، دیکتاتوری نظامی در السالوادور، گواتمالا در زمان ریوس مونت، و در طول پوشش من از رژیم های نظامی در آرژانتین، پرو، بولیوی، سوریه، عراق و الجزایر دیدم.

دانشگاه کلمبیا، با دروازه های قفل شده، صف های رزمنده های پلیس، ردیف هایی از موانع فلزی در عمق سه و چهار، انبوهی از پلیس های یونیفرم پوش و مسولین امنیت خصوصی، تفاوتی به نظر نمی رسد. که از آن رژیمها و دکتاتوران فوق الزکر تفاوتی داشته باشد..

به دیکتاتوری شرکتی ما خوش آمدید.

صدای ناهنجار در خیابان های شهر نیویورک، مکالمه ما را برجسته می کند. این دانش آموزان می دانند که این صدا هاچه خطری در پی دارند. آنها می دانند که با چه چیزی روبرو هستند.

فعالان دانشجویی ماه ها قبل از برپایی اردوگاه (خیمه زنی یا تجمع در داخل دانشگاه) منتظر ماندند. آنها بارها و بارها تلاش کردند تا صدایشان شنیده شود و به نگرانی هایشان رسیدگی شود. اما مقامات مسول تقاضا هایی آنها را رد کردند، نادیده گرفتند و آنها را مورد آزار و اذیت قرار دادند. در ماه نوامبر، دانشجویان طوماری یا یادداشت های را به دانشگاه ارائه کردند که در آن خواستار واگذاری سرمایه گذاری از شرکت های اسرائیلی بودند که نسل کشی را تسهیل می کنند. کسی حوصله پاسخگویی را به خود نداد.

معترضان متحمل سوء استفاده مداوم می‌شوند. در (25 آوریل)، در خلال سفر سالمندان با قایق در کلمبیا، دانشجویان مسلمان و کسانی که به عنوان حامی تظاهرات شناخته شده بودند، توسط رژیم صهیونیستی به شدت بر سر و لباس آنها الکل ریختند. در ماه ژانویه، سربازان سابق اسرائیلی که در کلمبیا تحصیل می‌کردند از اسپری اسکنک برای حمله به دانش‌آموزان در پله‌های کتابخانه‌ها استفاده کردند. دانشگاه که پس از شنا سازی مهاجمان تحت فشار شد ید قرار گرفت، گفت که سربازان سابق را از ورود به دانشگاه منع کرده است، اما سایر دانشجویان گزارش دادند که اخیراً یکی از مردان را در محوطه دانشگاه دیده‌اند. زمانی که دانش‌آموزان یهودی در اردوگاه سعی کردند غذای خود را در آشپزخانه کوشر مدرسه علمیه یهودیان آماده کنند، توسط صهیونیست‌هایی که در ساختمان بودند مورد توهین قرار گرفتند. بنیانگذار سازمان «پسران مغرور» از نژادپرستان سفیدپوست به ضد تظاهرکنندگان صهیونیست در محوطه دانشگاه پیوست. دانش‌آموزان اطلاعات شخصی خود را در مأموریت قناری پست کرده‌اند و چهره‌های خود را در کنار کامیون‌هایی که دور محوطه دانشگاه می‌چرخند، پیدا کرده‌اند و آنها را یهودستیز خوانده‌اند.

این حملات در دانشگاه‌های دیگر از جمله UCLA نیز تکرار می‌شود، جایی که صهیونیست‌های نقابدار موش‌ها را رها کردند و آتش بازی‌ها را به داخل اردوگاه پرتاب کردند و صدای گریه کودکان را پخش کردند - کاری که ارتش اسرائیل انجام می‌دهد تا فلسطینی‌ها را در غزه از مخفی‌کردنشان بکشاند. اوباش صهیونیستی که به اسپری فلفل و خرس مسلح شده بودند، در حالی که پلیس و امنیت دانشگاه به طور منفعلانه نظارت می‌کردند و از دستگیری خودداری می‌کردند، به خشونت به معترضان حمله کردند.

کامرون جونز، یکی از محققان، گفت: «در جشن مطالعات عمومی، که یکی از مدارس مقطع کارشناسی است که جمعیت زیادی از سربازان سابق ارتش اسرائیل دارد، حداقل هشت دانش‌آموز با لباس کفی توسط دانش‌آموزانی که به عنوان اسرائیلی و اسرائیلی شناخته می‌شدند مورد آزار و اذیت فیزیکی و کلامی قرار گرفتند». به من می‌گوید که دانشجوی سال دوم رشته مطالعات شهری و یهودی است. «به دانش‌آموزان در زبان عبری «عوغ» و «فاحشه» می‌گفتند. برخی را تروریست نامیدند و گفتند به غزه برگردند. بسیاری از دانش‌آموزانی که مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند عرب بودند، برخی از آنها کفه‌هایشان را کنده و به زمین انداخته‌اند. چند دانش‌آموز در کفیه‌ها را گرفتند و هل دادند. یک دانش‌آموز یهودی که کفیه به تن داشت به زبان عبری مورد نفرین قرار گرفت و بعداً با مشت به صورتش کوبیدند. دانش‌آموز دیگری را با لگد زدند. این مراسم پس از آن پایان یافت که ده‌ها دانش‌آموز سرود ملی اسرائیل را خواندند، برخی از آنها دانش‌آموزان را با کفیه بر تن کردند. من در اطراف دانشگاه توسط افرادی تعقیب شده‌ام و مورد نفرین قرار گرفته‌ام و فحاشی‌هایی سرم فریاد زده شده است.»

دانشگاه از توبیخ کسانی که مراسم جشن را مختل کردند، خودداری کرده است، حتی اگر افرادی که این حملات را انجام داده‌اند شناسایی شده‌اند.

دانشگاه ها افرادی مانند کاس هالووی، در حال حاضر مدیر عملیات کلمبیا، که معاون شهردار برای عملیات در زمان مایکل بلومبرگ بود، استخدام کرده اند. گزارش شده است که هالووی بر پاکسازی اردوگاه اشغال در پارک زوکاتی نظارت پلیس داشت. این نوعی از تخصص است که دانشگاه ها آرزو می کنند.

در کلمبیا، سازمان دهندگان دانشجویان، پس از دستگیری های گسترده و اخراج از اردوگاه و سالن هند، خواستار اعتصاب های سراسری توسط اساتید، کارکنان و دانشجویان شدند. کلمبیا شروع به کار دانشگاهی خود را لغو کرد. من در محوطه دانشگاه پرینستون هستم. بعد از نماز عصر است و 17 دانش آموزی که دست به اعتصاب غذا زده اند، در کنار هم نشسته اند، بسیاری از آنها در پتو پیچیده شده اند.

در حالی که دانشگاه ها سرکوب خود را تشدید می کنند، معترضان واکنش خود را تشدید می کنند. دانشجویان در پرینستون در طول ماه های اکتبر و نوامبر تظاهرات و خروج برگزار کردند، که به اعتراض در شورای جامعه دانشگاه پرینستون، متشکل از مدیران، دانشجویان، کارکنان، روسای دانشگاه و رئیس منجر شد. آنها در هر اعتراض با دیوار سکوت روبرو می شدند.

دانشجویان پرینستون تصمیم گرفتند، به تبعیت از نمونه در کلمبیا، در 25 آوریل یک اردوگاه چادری برپا کنند و مجموعه ای از خواسته ها را صادر کردند و از دانشگاه خواستند که "انزوا و از اسرائیل جدا شود". اما هنگامی که صبح زود به محل برگزاری مراسم خود و همچنین سایت روبروی کتابخانه فایراستون که امیدوار بودند از آن برای اردوگاه استفاده کنند، رسیدند، با ده ها پلیس دانشگاه و پلیس شهر پرینستون مواجه شدند که به آنها اطلاع داده شده بود. دانشجویان با عجله مکان دیگری را در محوطه دانشگاه، *McCosh Courtyard* اشغال کردند. دو دانشجو بلافاصله دستگیر و از خانه دانشجویی خود اخراج و از ورود به دانشگاه محروم شدند. پلیس دانشجویان باقی مانده را مجبور کرد تا چادرهای خود را پایین بیاورند

“

معترضان در اردوگاه در فضای باز خوابیده اند، از جمله زمانی که باران می بارد.

در طنزی که دانش آموزان را از دست نداده اند، در اطراف محوطه دانشگاه پرینستون، چادرهای عظیمی برای گردهمایی آخر هفته برپا شده اند که در آن فارغ التحصیلان مقدار زیادی الکل مصرف می کنند و لباس های شیک با رنگ های مدرسه نارنجی و مشکی به تن می کنند. ورود معترضان به آنها ممنوع است.

سیزده دانشجو در پرینستون در 29 آوریل **کلیو هال** را اشغال کردند. آنها، مانند همتایان خود در کلمبیا، دستگیر شدند و اکنون از ورود به محوطه دانشگاه منع شده اند.

حدود 200 دانش آموز به نشانه همبستگی سالن کلیو را محاصره کردند زیرا دانش آموزان اشغالگر توسط پلیس هدایت شدند. در حالی که پلیس در حال رسیدگی به آنها بود، دانشجویان دستگیر شده رول روحی سیاه را خواندند، و کلمات را به این شکل تغییر دادند: «خب برخی می گویند جان یک باپتیست بود، برخی می گویند جان یک فلسطینی بود، اما من می گویم جان یک واعظ خدا بود. کتاب مقدس من هم همین را می گوید.»

اعتصاب کنندگان غذا که رژیم غذایی خود را فقط با مایعات از سوم اردیبهشت آغاز کردند، این بیانیه را صادر کردند:

اردوگاه همبستگی پرینستون غزه آغاز یک اعتصاب غذا را در همبستگی با میلیون ها فلسطینی غزه که تحت محاصره مداوم رژیم اسرائیل رنج می برند، اعلام می کند. رژیم اشغالگر اسرائیل عمدا دسترسی به نیازهای اولیه را مسدود کرده است تا قحطی وحشتناکی را برای دو میلیون ساکن غزه ایجاد کند. از زمان اعلام ممنوعیت ورود مواد غذایی، سوخت و برق به نوار غزه توسط وزیر دفاع رژیم صهیونیستی در 9 اکتبر، اسرائیل به طور سیستماتیک دسترسی به کمک های حیاتی برای فلسطینیان در غزه را محدود کرده و حتی به طور عمدی زمین های زراعی موجود را تخریب کرده است. در 18 مارس، دبیر کل سازمان ملل متحد اعلام کرد که "این بالاترین تعداد افرادی است که با گرسنگی فاجعه باری که تاکنون توسط سیستم طبقه بندی امنیت غذایی یکپارچه ثبت شده است." برای تهیه نان، غزه ها مجبور شده اند از خوراک دام به عنوان آرد استفاده کنند. مردم غزه برای افطار در ماه رمضان مجبور به تهیه غذای علف شده اند. 97 درصد از آب غزه از اکتبر 2021 غیرقابل شرب تلقی شده است و آنها برای زنده ماندن مجبور به نوشیدن آب نمک کثیف شده اند. پیامدهای این قحطی بی سابقه ای که توسط اسرائیل ایجاد و حفظ شده است، فرزندان غزه را برای نسل های آینده ویران خواهد کرد و دیگر قابل تحمل نیست. ما اعتصاب غذای خود را برای همبستگی با مردم غزه آغاز کرده ایم. ما از سنت زندانیان سیاسی فلسطینی که از سال 1968 در زندان های اسرائیل فقط با آب نمک اعتصاب غذا می کنند، اعتصاب غذا می کنند. ما از ساکت شدن در برابر تاکتیک های ارباب و سرکوب مدیریت دانشگاه خودداری می کنیم. ما با هم در همبستگی با مردم فلسطین مبارزه می کنیم. ما بدن خود را به رهایی آنها متعهد می کنیم. شرکت کنندگان در اعتصاب غذا از هرگونه غذا و نوشیدنی به جز آب تا برآورده نشدن مطالبات زیر خودداری خواهند کرد:

- با دانشجویان ملاقات کنید تا در مورد مطالبات افشا، واگذاری و تحریم کامل دانشگاهی و فرهنگی اسرائیل گفتگو کنید.
- اعطای عفو کامل از کلیه اتهامات کیفری و انضباطی برای شرکت کنندگان در تحصن مسالمت آمیز.
- لغو تمام ممنوعیت های دانشگاه و اخراج دانشجویان

دانشگاه و جهان باید بپذیرند که ما از همدستی در نسل کشی خودداری می کنیم و هر اقدام لازم را برای تغییر این واقعیت انجام خواهند داد. اعتصاب غذای ما، اگرچه در

مقایسه با رنج پایدار مردم فلسطین کوچک است، اما نماد تعهد تزلزل ناپذیر ما به عدالت و همبستگی است.

کریستوفر ایسگروبر، رئیس دانشگاه، با اعتصاب کنندگان - اولین دیدار مدیران مدرسه با معترضان از 7 اکتبر - ملاقات کرد، اما خواسته های آنها را رد کرد.

عارق حسن، دانشجوی ارشدی که قرار است در سال آینده دکترای فیزیک کاربردی را در استنفورد بگذراند، می گوید: «این احتمالاً مهم ترین کاری است که من در اینجا انجام داده ام. "اگر ما در مقیاس یک تا 10 باشیم، این یک 10 است. از زمان شروع اردوگاه، من سعی کرده ام که فرد بهتری شوم. ما ارکان ایمان داریم. یکی از آنها سنت است که نماز است. اینجا جایی است که شما خود را برای تبدیل شدن به یک فرد بهتر آموزش می دهید. با معنویت مرتبط است. این چیزی است که من در دوران حضورم در پرینستون بیشتر بر آن تاکید کرده ام. جنبه دیگری از ایمان وجود دارد. زکات. این به معنای خیریه است، اما شما می توانید آن را به طور کلی تر به عنوان عدالت عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی بخوانید. من خودم را تمرین می کنم، اما به چه منظور؟ این اردو فقط برای تلاش برای تزکیه کردن، پاک کردن قلبم برای تبدیل شدن به یک فرد بهتر نیست، بلکه تلاش برای ایستادگی برای عدالت و استفاده فعالانه از این مهارت هایی است که یاد می گیرم تا آنچه را که احساس می کنم به درستی و نهی کنم. آنچه به نظر من اشتباه است، دفاع از مردم ستم دیده در سراسر جهان است.»

آنها خان، یک دانشجوی دانشگاه پرینستون در اعتصاب غذا که خانواده اش از اهل بنگلادش هستند، در حالی که زانوهایش را جمع کرده به جلو نشسته است. او شلوار ورزشی آبی رنگی پوشیده است که روی آن Looney Tunes نوشته شده است و او یک حلقه نامزدی در انگشت دست خود دارد که هر چند وقت یکبار زیر نور می درخشد. او در تاریخ بنگلادش از استعمار، سلب مالکیت و نسل کشی، تجربه فلسطینی ها را می بیند.

او می گوید: «خیلی چیز از مردم من گرفته شد. ما زمان یا منابع لازم برای بهبودی از دوران وحشتناکی را که پشت سر گذاشتیم نداشتیم. مردم من را نه تنها در سال 1971 نسل کشی کردند، بلکه ما قربانی تقسیماتی بودیم که در سال 1947 رخ داد و سپس اختلافات مدنی بین پاکستان غربی و شرقی در طول دهه های چهل، پنجاه و شصت. این باعث عصبانیت من می شود. اگر در طول قرن هجدهم، نوزدهم و بیستم توسط بریتانیا مستعمره نمی شدیم، و اگر اشغال نمی شدیم، زمان توسعه و ایجاد جامعه ای مرفه تر را داشتیم. اکنون ما متحیر هستیم زیرا چیزهای زیادی از ما گرفته شده است. این عادلانه نیست.»

خصوصیت با دانشگاه دانشجویان را رادیکال کرده است و مدیران دانشگاه را می بینند که به جای پرداختن به واقعیت های داخلی تظاهرات غیرخشونت آمیز و نسل کشی، تلاش می کنند فشارهای خارجی از سوی اهداکنندگان ثروتمند، سازندگان سلاح و لابی اسرائیل را کاهش دهند.

خان به من می گوید: «دولت به رفاه، سلامت یا ایمنی دانش آموزان خود اهمیتی نمی دهد. ما سعی کرده ایم حداقل در شب چادرها را بیرون بیاوریم. از آنجایی که ما 24 ساعت ناشتا یا گرسنه هستیم و چیزی نمی خوریم، بدن ما اضافه کاری می کند تا انعطاف پذیر بماند. سیستم ایمنی بدن ما آنقدر قوی نیست. با این حال دانشگاه به ما می گوید که نمی توانیم چادر بزنیم تا شبها از سرما و باد در امان بمانیم. برای من نفرت انگیز است احساس ضعف جسمی خیلی بیشتری دارم. سردردی ام بدتر شده در حال حاضر حتی نمی توانم از پله ها بالا رفت. این باعث شد متوجه شوم که در هفت ماه گذشته چیزی که غزه ها یا مردم غزه با آن روبرو بوده اند میلیون ها بار بدتر بوده است. شما نمی توانید وضعیت اسفناک آنها را درک کنید، مگر اینکه آن نوع گرسنگی را تجربه کنید که آنها تجربه می کنند، اگرچه من ظلم هایی را که آنها تجربه می کنند، تجربه نمی کنم.

اعتصاب کنندگان غذا در حالی که در شبکه های اجتماعی مورد حمایت زیادی قرار می گیرند، هدف تهدیدهای مرگ و پیام های نفرت انگیز اینفلوئنسرهای محافظه کار نیز بوده اند. شخصی در X پست کرد: «به آنها 10 ساعت فرصت می دهم قبل از اینکه با DoorDash تماس بگیرند. بیا، آب را رها کن!» یک پست دیگر خوانده شد آیا آنها هم می توانند نفس خود را حبس کنند؟ درخواست یک دوست، «دیگری خواند. "بسیار خوب، پس شنیدم که این آخر هفته در پرینستون انبوهی کباب می شود، بیا بید یک دسته از محصولات گوشت خوک را هم بیاوریم تا به این مسلمانان نشان دهیم!" کسی پست کرده.

”

در محوطه دانشگاه، گروه های کوچکی از معترضان ضد معترض، که بسیاری از آنها از خانواده فوق العاده ارتدوکس چاباد هستند، با فریاد «جهادی ها» به معترضان تمسخر می کنند. یا "من روسی تروریستی شما را دوست دارم

خان به آرامی می گوید: «این وحشتناک است که بینم هزاران هزار نفر آرزوی مرگ ما را دارند و امیدوارند که ما از گرسنگی بمیریم و بمیریم. «در ویدئوی انتشار مطبوعاتی، من ماسک زدم. یکی از کامنت های خنده دارتری که دریافت کردم این بود: «وای، شرط می بندم که جوجه سمت راست پشت آن ماسک دندان های باریک دارد.» این مسخره است. یکی دیگر خوانده بود: «شرط می بندم که جوجه سمت راست قبل از آمدن به بیانیه مطبوعاتی از Dyson Supersonic خود استفاده کرده است.» Dyson Supersonic یک سشوار واقعا گران قیمت است. راستش را بخواهید، تنها چیزی که از آن گرفتم این بود که موهایم خوب به نظر می رسید، پس از شما متشکرم!»

دیوید چمیلوسکی، سالخورده ای که والدینش لهستانی هستند و خانواده اش در اردوگاه های مرگ نازی ها زندانی شده بودند، مسلمان است. بازدید های او از اردوگاه های کار اجباری در لهستان، از جمله آشویتس، او را به شدت از ظرفیت شرارت انسانی آگاه کرد.

او این شرارت را در نسل کشی غزه می بیند. او همان بی تفاوتی و حمایتی را می بیند که مشخصه آلمان نازی بود. او می گوید: «دیگر هرگز» یعنی برای همه دیگر هرگز.

او به من می گوید: «از زمان نسل کشی، دانشگاه نتوانسته است با دانشجویان عرب، دانشجویان مسلمان و دانشجویان فلسطینی کمک و یا از آنها حمایت کند.» دانشگاه مدعی است که به تنوع، برابری و شمول متعهد است، اما ما احساس نمی کنیم که به اینجا تعلق داریم.» او می گوید:

«پیامبرانمان در سنت اسلامی به ما گفته اند که وقتی بخشی از امت، یعنی امت مؤمن، احساس درد کند، همه ما هم درد می کشیم.» این با دید یک انگیزه مهم برای ما باشد. اما بخش دوم این است که اسلام به ما وظیفه می دهد که برای عدالت تلاش کنیم، صرف نظر از اینکه از طرف چه کسی تلاش می کنیم. بسیاری از فلسطینی ها هستند که مسلمان نیستند، اما ما برای آزادی همه فلسطینی ها می جنگیم. مسلمانان در برابر مسائلی ایستادگی می کنند که به طور خاص مسائل مسلمانان نیست. مسلمانانی بودند که در مبارزه با آپارتاید در آفریقای جنوبی شرکت داشتند. مسلمانانی بودند که در جنبش حقوق مدنی شرکت داشتند. ما از آنها الهام می گیریم.» او می گوید: «این یک مبارزه زیبا بین ادیان است.» «دیروز یک برزنت گذاشتیم که در آن نماز می خواندیم. ما افرادی داشتیم که قرائت قرآن گروهی انجام می دادند. در همان برزنت، دانشجویان یهودی مراسم شبات خود را داشتند. روز یکشنبه، مراسم مسیحیت را در اردوگاه داشتیم. ما در تلاش هستیم تا تصویری از جهانی که می خواهیم بسازیم، دنیایی پس از آپارتاید ارائه دهیم. ما فقط به آپارتاید اسرائیل پاسخ نمی دهیم، بلکه سعی می کنیم دیدگاه خودمان را از اینکه یک جامعه چگونه خواهد بود، بسازیم. این همان چیزی است که می بینید وقتی افرادی را دارید که در حال تلاوت قرآن یا خواندن مراسم شبات روی همان برزنت هستند، این همان دنیا می است که ما می خواهیم بسازیم.»

او می گوید: «ما به عنوان افرادی به تصویر کشیده شده ایم که باعث ایجاد احساس ناامنی می شوند.» «ما به عنوان یک تهدید تلقی شده ایم. بخشی از انگیزه اعتصاب غذا این است که روشن کند که ما کسانی نیستیم که کسی را ناامن می کنیم. دانشگاه ما را ناامن می کند. آنها حاضر به ملاقات با ما نیستند و ما حاضریم خود را بگرسنگی بکشیم. چه کسی باعث عدم ایمنی می شود؟ یک دورویی در مورد اینکه ما به تصویر کشیده می شویم وجود دارد. زمانی که این دانشگاه ها هستند که پلیس را به معترضان مسالمت آمیز فرا می خوانند، ما به عنوان خشونت آمیز به تصویر کشیده می شویم. ما به عنوان مختل کننده همه چیز در اطرافمان به تصویر کشیده می شویم، اما آنچه از آن استفاده می کنیم سنت های اساسی فرهنگ سیاسی آمریکا است. ما از سنت های تحصن، اعتصاب غذا و اردوگاه های مسالمت آمیز استفاده می کنیم. زندانیان سیاسی فلسطینی چندین دهه است که دست به اعتصاب غذا زده اند. اعتصاب غذا به مبارزات استعماری زدایی قبل از آن، به هند، ایرلند، به مبارزه علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی برمی گردد.»

او ادامه می دهد: «آزادی فلسطین عامل آزادی بشر است. فلسطین بارزترین نمونه در جهان امروز، به جز ایالات متحده، استعمار شهرک نشینی است. مبارزه علیه اشغالگری صهیونیستی از سوی صهیونیست ها چه در داخل ایالات متحده و چه در اسرائیل، به عنوان آخرین نفس در حال مرگ امپریالیسم تلقی می شود. آنها سعی می کنند آن را حفظ کنند. به همین دلیل ترسناک است. آزادی فلسطین به معنای جهانی کاملاً متفاوت است، جهانی که از استثمار و بی عدالتی گذشته است. به همین دلیل است که بسیاری از مردم که فلسطینی نیستند، عرب نیستند و مسلمان نیستند، در این مبارزه سرمایه گذاری کرده اند. آنها اهمیت آن را می بینند.»

حسن می گوید: «در مکانیک کوانتومی ایده غیرمحملی وجود دارد. «با وجود اینکه من کیلومترها و مایلها از مردم فلسطین دور هستم، اما عمیقاً با آنها درگیر شده‌ام، همان‌طور که الکترون‌هایی که در آزمایشگاهم با آنها کار می‌کنم درگیر می‌شوند. همان‌طور که داوود گفت، این عقیده که جماعت مؤمنان یک بدن است و اگر قسمتی از بدن درد دارد، همه آن درد دارد، وظیفه ماست که برای تسکین آن درد تلاش کنیم. اگر گامی به عقب برداریم و به این سیستم ترکیبی نگاه کنیم به صورت یکپارچه کامل در حال تکامل است، حتی اگر آن را درک نکنیم زیرا فقط به یک قطعه کوچک از آن دسترسی داریم. عدالت عمیقی وجود دارد که شاید ما آن را به رسمیت نشناخته باشیم، اما زمانی وجود دارد که به وضعیت اسفبار مردم فلسطین نگاه کنیم.»

او می گوید: «سنتی در ارتباط با پیامبر وجود دارد. «وقتی بی عدالتی را دیدید، با ید سعی کنید آن را با دستان خود تغییر دهید. اگر نمی‌توانید آن را با دستان خود تغییر دهید، باید سعی کنید آن را با زبان خود تنظیم کنید. شما باید در مورد آن صحبت کنید. اگر نمی‌توانید این کار را انجام دهید، حداقل با ید بی عدالتی را در قلب خود احساس کنید. این اعتصاب غذا، این اردوگاه، هر کاری که ما در اینجا به عنوان دانشجو انجام می‌دهیم، راه من برای درک این موضوع است، تلاش برای اجرای آن در زندگی ام.»

با دانشجویان در تظاهرات وقت بگذرانید و داستان‌هایی از مکاشفات، تجلیات می‌شنوید. در قاموس مسیحیت به این لحظات فیض می‌گویند. این تجربه‌ها، این لحظات لطف، موتور غیبی جنبش‌های اعتراضی است. هنگامی که اسکار لوید، دانشجوی جوان در کلمبیا که در حال تحصیل علوم شناختی و فلسفه بود، حدوداً هشت ساله بود، او و خانواده‌اش از منطقه حفاظت شده پابین ریج در کوکتنای جنوبی بازدید کرد.

من تفاوت بزرگی را بین یادبود بزرگ در نبرد **لینکلن بیگورن** در مقایسه با تابلوی چوبی کوچک در قتل عام در *Wounded Knee* دیدم. شاخ به قتل عام «250 تا 300» بومیان آمریکا، که نیمی از آنها زن و کودک بودند، در سال «1890 در *Wounded Knee*» من شوکه شدم که تاریخ می‌تواند دو طرف داشته باشد، اینکه یک طرف را می‌توان گفت و دیگری را می‌توان کاملاً فراموش کرد. این داستان فلسطین است.»

سارا ریوا، دانشجوی کارشناسی ارشد در پرینستون، یک سال را در اسرائیل گذراند و در مؤسسه مطالعات یهودی Pardes، یک پیشیوا غیر مذهبی، تحصیل کرد. او با آپارتاید روبرو شد. او پس از اشغال کلیو هال از دانشگاه منع شده است.

او گفت: «در آن سال بود که چیزهایی دیدم که هرگز فراموش نخواهم کرد. من زمانی را در کرانه باختری و با جوامعی در جنوب هیرون هیلز گذراندم. من واقعیت های روزمره آپارتاید را دیدم. اگر به دنبال آنها نباشید، متوجه آنها نمی شوید. اما اگر این کار را بکنید، اگر بخواهید، واضح است. که من را مستعد این موضوع کرد. من هر روز افرادی را می دیدم که تحت تهدید پلیس و ارتش اسرائیل زندگی می کردند، زندگی شان توسط شهرک نشینان غیرقابل تحمل می شد.»

وقتی **حسن** در کلاس چهارم بود، مادرش را به یاد می آورد که در شب بیست و هفتم ماه رمضان، یک روز مقدس به ویژه به نام شب قدر، گریه می کرد. در این شب به طور سنتی دعا مستجاب می شود.

او می گوید: «خاطره بسیار روشنی از ایستادن در نماز شب در کنار مادرم دارم. "مادر من گریه می کرد. هرگز در عمرم ندیده بودم که او اینقدر گریه کند. من آن را به وضوح به یاد دارم. از او پرسیدم چرا گریه می کنید؟ او به من گفت که به خاطر همه مردمی که در سراسر جهان رنج می برند، گریه می کند. و در میان آنها، می توانم تصور کنم که او مردم فلسطین را به دل می آورد. در آن مقطع از زندگی، من سیستم های ظلم را درک نمی کردم. اما چیزی که فهمیدم این بود که هرگز مادرم را در چنین دردهایی ندیده بودم. من نمی خواستم او در چنین دردهایی باشد. من و خواهرم با دیدن مادرمان که این همه درد دارد گریه کردیم. آن شب احساسات خیلی قوی بود. فکر نمی کنم تا به حال در زندگی ام اینطور گریه نکرده باشم. این اولین باری بود که در جهان، به ویژه سیستم های ظلم و ستم، آگاهی نسبت به رنج داشتیم، هرچند تا مدت ها بعد واقعاً ابعاد مختلف آن را درک نکردم. آن زمان بود که قلب من با مصیبت مردم فلسطین ارتباط برقرار کرد.»

هلن وایناینا، دانشجوی دکترای انگلیسی که کلیو هال در پرینستون را اشغال کرده و از ورود به دانشگاه محروم است، در آفریقای جنوبی متولد شد. او تا 10 سالگی در تانزانیا زندگی کرد و سپس با خانواده اش به هیوستون نقل مکان کرد.

او می گوید: «به پدر و مادرم و سفرهایشان در آفریقا و در نهایت ترک قاره آفریقا فکر می کنم. "من در تعارض هستم که آنها در ایالات متحده به پایان رسیدند، اگر اوضاع در طول جنبش های پسا استعماری به گونه ای دیگر رقم می خورد، آنها حرکت نمی کردند. ما می توانستیم در جایی که بودیم زندگی کنیم، بزرگ شویم و درس بخوانیم. من همیشه احساس می کردم که این یک بی عدالتی عمیق بود. از اینکه پدر و مادرم هر کاری که از دستشان بر می آمد انجام دادند تا ما را به اینجا برسانند، سپاسگزارم، اما یاد می آید وقتی تابعیت را گرفتم، خیلی عصبانی بودم. حرفی نداشتم ای کاش جهان به گونه ای دیگر

جهت‌گیری می‌کرد، که نیازی به آمدن ما به اینجا نبود، رویاهای پسااستعماری افرادی که روی آن جنبش‌ها کار می‌کردند، عملی می‌شد.»

جنبش‌های اعتراضی - که در سراسر جهان گسترش یافته اند - حول موضوع واحد آپارتاید در اسرائیل یا نسل‌کشی آن علیه فلسطینی‌ها ساخته نمی‌شوند. آنها حول این آگاهی ساخته شده اند که نظم جهانی قدیمی، نظم استعماری شهرک نشین، امپریالیسم غربی و نظا می‌گری که توسط کشورهای شمال جهانی برای تسلط بر جنوب جهانی استفاده می‌شود، باید پایان یابد. آنها احتکار منابع طبیعی و ثروت توسط کشورهای صنعتی در دنیایی که بازدهی رو به کاهش است را محکوم می‌کنند. این اعتراضات حول یک چشم‌انداز جهانی از برابری، کرامت و استقلال بنا شده است. این چشم‌انداز و تعهد به آن، نه تنها شکست این جنبش را دشوار می‌کند، بلکه مبارزه گسترده تری را فراتر از نسل‌کشی در غزه نشان می‌دهد

. نسل‌کشی غول خفته را بیدار کرده است. بیا بید دعا کنیم غول پیروز شود.

----- **با تقدیم احترامات «2024-05-12»**

.....